



پول و بانکداری با رویکرد اسلامی

جلد دوم

دکتر سیدهادی عربی

(دانشیار دانشگاه قم)

دکتر حسین میثمی

(استادیار پژوهشکده پولی و بانکی)



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۸

عربی، سیدهادی، ۱۳۳۹-

پول و بانکداری با رویکرد اسلامی [کتاب] / سیدهادی عربی، حسین میثمی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸. سیزده، ۲۷۲ص: جدول. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۱۳: اقتصاد؛ ۳۹) بها: ۳۱۵۰۰۰ ریال

دوره: ISBN: 978-600-298-291-9

ج. ۱: 978-600-298-163-9

ج. ۲: 978-600-298-290-2

وضعیت فهرست‌نویسی: فاپا (چاپ دوم).

پشت جلد به انگلیسی: Hadi Arabi, Hossain Misami. Money and banking an islamic prespective

ج. ۱ (چاپ دوم).

ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۸) (فیبیا).

کتابنامه؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. پول. ۲. Money. ۳. بانک و بانکداری. ۴. Banks and Banking. ۵. بانک و بانکداری -- جنبه‌های مذهبی --

اسلام. ۶. Banks and banking -- Religious aspects -- Islam. الف. میثمی، حسین، ۱۳۶۵. ب. پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه. ج. عنوان.

۳۳۲/۴

HG۲۲۱/ع۴پ۹ ۱۳۹۷

۴۸۲۸۵۷۷

شماره کتابشناسی ملی



پول و بانکداری با رویکرد اسلامی (جلد دوم)

مؤلف: دکتر سیدهادی عربی (دانشیار دانشگاه قم) و دکتر حسین میثمی (استادیار پژوهشگاه پولی و بانکی)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۸

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم- سبحان

قیمت: ۳۱۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره»، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۱۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع اصلی درس پول و بانکداری برای دانشجویان رشته‌های اقتصاد و سایر رشته‌های مرتبط در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد فراهم آمده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلفان محترم اثر، دکتر سیدهادی عربی و دکتر حسین میثمی و نیز از ناظر محترم حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدعباس موسویان سپاسگزاری کند.

فهرست

فصل اول: تورم و کاهش ارزش پول در چارچوب اسلامی

۱	مقدمه.....
۲	تورم و کاهش ارزش پول.....
۲-۱	مفهوم تورم.....
۲-۲	آثار اقتصادی تورم.....
۲-۲-۱	کاهش ارزش پول نقد، سپرده‌های بانکی و مطالبات.....
۲-۲-۲	افزایش ارزش دارایی‌های غیرمنقول و کالاها.....
۲-۲-۳	اثر منفی بر توزیع درآمد و عدالت اجتماعی.....
۲-۲-۴	تغییر رفتارهای اقتصادی عموم مردم.....
۲-۳	کاربردهای بحث در صنعت بانکداری.....
۲-۳-۱	کاهش ارزش منابع سپرده‌گذاران.....
۲-۳-۲	کاهش ارزش اقساط تسهیلات‌گیرندگان.....
۲-۳-۳	افزایش مطالبات غیرجاری.....
۲-۳-۴	کاهش نرخ سود واقعی.....
۳	تورم و کاهش ارزش پول در عصر پیامبر و ائمه اطهار.....
۴	ارزیابی و تحلیل دیدگاه‌های مطرح در زمینه جبران کاهش ارزش پول.....
۴-۱	معیار بودن ارزش اسمی پول.....
۴-۲	معیار قدرت خرید پول.....
۴-۳	ضرورت تفصیل.....
۴-۴	ضرورت مصالحه بین طرفین.....
۵	جبران کاهش ارزش پول از منظر قوانین موضوعه کشور.....
۶	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۲۱	* سؤالات فصل.....
۲۲	* منابع مورد استفاده.....
۲۳	* منابع جهت مطالعه بیشتر.....

فصل دوم: جرمه تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا

۱. مقدمه..... ۲۵
۲. انواع مشتریان دارای تأخیر در بانکداری بدون ربا..... ۲۷
 - ۱-۲. مشتریان ناتوان از بازپرداخت بدون ضامن یا وثیقه..... ۲۸
 - ۲-۲. مشتریان ناتوان از بازپرداخت با ضامن یا وثیقه..... ۲۹
 - ۳-۲. مشتریان تأخیرکننده به دلیل نامناسب بودن شرایط اقتصادی..... ۲۹
 - ۴-۲. مشتریان تأخیرکننده به دلیل بی‌مولاتی، سهل‌انگاری یا سوءاستفاده..... ۳۰
۳. مقایسه سه مفهوم فقهی - حقوقی جرمه تأخیر، وجه التزام و خسارت تأخیر..... ۳۱
 - ۱-۳. جرمه تأخیر تأدیه (دیرکرد)..... ۳۱
 - ۲-۳. وجه التزام (پایبندی به قرارداد)..... ۳۲
 - ۳-۳. خسارت تأخیر تأدیه..... ۳۳
۴. ارزیابی و نقد راهکار شورای نگهبان در زمینه جرمه تأخیر..... ۳۴
 - ۱-۴. تبیین (دریافت وجه التزام به صورت شرط ضمن عقد)..... ۳۴
 - ۲-۴. نقد..... ۳۵
 - ۱-۲-۴. درآمدزایی بانک از محل تأخیر مشتریان..... ۳۶
 - ۲-۲-۴. باز بودن سقف جرمه..... ۳۶
 - ۳-۲-۴. مخالفت برخی مراجع..... ۳۷
 - ۴-۲-۴. انحراف عملی (دوری واقعیت از نظریه)..... ۳۸
 - ۵-۲-۴. برخورد یکسان با مشتریان دارای تأخیر..... ۳۹
۵. ارزیابی و نقد شیوه‌های پیشنهادی برای حل چالش فقهی جرمه تأخیر..... ۳۹
 - ۱-۵. الگوی طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران (گرفتن جرمه براساس شأن حاکمیتی)..... ۴۰
 - ۱-۱-۵. تبیین..... ۴۰
 - ۲-۱-۵. نقد..... ۴۱
 - ۲-۵. الگوی بانک‌های اسلامی در سطح بین‌المللی (اختصاص جرمه به خیریه)..... ۴۳
 - ۱-۲-۵. تبیین..... ۴۳
 - ۲-۲-۵. نقد..... ۴۴
 - ۳-۵. الگوی تعزیر مالی (گرفتن جرمه براساس شأن قضایی)..... ۴۵
 - ۱-۳-۵. تبیین..... ۴۵
 - ۲-۳-۵. نقد..... ۴۶
۶. چارچوب حرکت به سمت الگوی ایدئال مواجهه با پدیده تأخیر تأدیه در بانکداری اسلامی..... ۴۸
 - ۱-۶. ضرورت توجه به حقوق متقابل بدهکاران و بستانکاران..... ۴۸
 - ۲-۶. ضرورت تفکیک بین انواع مشتریان دارای تأخیر..... ۴۹
 - ۳-۶. ضرورت سقف داشتن مجموع جرمه دریافتی از هر مشتری..... ۴۹
 - ۴-۶. بازدارندگی و ایجاد انگیزه..... ۴۹
 - ۵-۶. ضرورت توجه به نقش حکومت (دولت) در حمایت از بدهکاران ناتوان و طلبکاران نیازمند..... ۴۹

۵۰ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۵۲ * سؤالات فصل
۵۲ * منابع مورد استفاده
۵۴ * منابع جهت مطالعه بیشتر

فصل سوم: کارت‌های بدهی و اعتباری منطبق با شریعت: خدماتی نوین در بانکداری بدون ربا

۵۵ ۱. مقدمه
۵۶ ۲. موضوع‌شناسی کارت‌های بدهی و اعتباری
۵۶ ۱-۲. تعریف
۵۷ ۲-۲. ویژگی‌ها
۵۸ ۲-۳. تفاوت
۵۸ ۳. ماهیت حقوقی کارت‌های بانکی متعارف و تحلیل آن در چارچوب فقه اسلامی
۵۹ ۱-۳. کارت‌های بدهی
۶۰ ۲-۳. کارت‌های اعتباری
۶۱ ۴. طراحی الگوی‌های جایگزین کارت اعتباری براساس عقود اسلامی
۶۲ ۱-۴. الگوی قرض الحسنه
۶۴ ۲-۴. الگوی اجاره
۶۴ ۳-۴. الگوی مرابحه
۶۶ ۵. شبهات قابل طرح در رابطه با کارت اعتباری مرابحه
۶۶ ۱-۵. خطر استفاده از کارت برای دریافت وجه نقد، تسویه بدهی، سپرده‌گذاری، قرض یا هبه
۶۷ ۲-۵. عدم پذیرش فقهی کاربرد عقد بیع در رابطه با خدمات
۶۸ ۳-۵. مخاطره محاسبه نرخ سود به صورت ماهانه
۶۹ ۴-۵. فقدان قصد واقعی وکالت و بیع
۷۰ ۵-۵. شبهه وجود عین در معاملات کارت اعتباری مرابحه
۷۱ ۶-۵. ناسازگاری با شرط ذکر شده در روایات «ان شاء فعل و ان شاء ترک»
۷۳ ۷-۵. عدم مالکیت بانک در بیع نقد
۷۳ ۸-۵. عدم اطلاع مشتری از قیمت تمام شده کالا
۷۴ ۶. تجربه کارت‌های بدهی و اعتباری در شبکه بانکی کشور
۷۶ ۷. ضرورت اتصال کارت‌های بومی به نظام‌های پولی و بانکی بین‌المللی
۷۸ ۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۷۹ * سؤالات فصل
۷۹ * منابع مورد استفاده
۸۱ * منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل چهارم: ابزار حد اعتباری (برداشت بیش از موجودی) در بانکداری متعارف و بانکداری بدون ربا

۸۳	۱. مقدمه.....	۸۳
۸۴	۲. حد اعتباری در بانکداری متعارف و تحلیل آن در چارچوب اسلامی.....	۸۴
۸۵	۱-۲. تعریف.....	۸۵
۸۵	۲-۲. کارکرد.....	۸۵
۸۶	۲-۳. ویژگی‌ها.....	۸۶
۸۷	۲-۴. انواع.....	۸۷
۸۹	۲-۵. نمونه عملیاتی (حد اعتباری در بانک ایرلند).....	۸۹
۹۰	۲-۶. ماهیت حقوقی و فقهی.....	۹۰
۹۰	۳. طراحی الگوهای جایگزین حد اعتباری براساس عقود اسلامی.....	۹۰
۹۱	۳-۱. مدل قرض الحسنه.....	۹۱
۹۱	۳-۲. مدل مضاربه عام.....	۹۱
۹۳	۳-۳. مدل وکالت.....	۹۳
۹۳	۳-۴. مدل بیع دین.....	۹۳
۹۴	۴. حد اعتباری در بانکداری بدون ربای ایران.....	۹۴
۹۷	۵. ملاحظات تکمیلی در استفاده از ابزار حد اعتباری در چارچوب اسلامی.....	۹۷
۹۸	۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۹۸
۱۰۰	* سوالات فصل.....	۱۰۰
۱۰۱	* منابع مورد استفاده.....	۱۰۱
۱۰۲	* منابع برای مطالعه بیشتر.....	۱۰۲

فصل پنجم: تأمین مالی خرد در چارچوب متعارف و تحلیل آن از منظر اسلامی

۱۰۳	۱. مقدمه.....	۱۰۳
۱۰۴	۲. مبانی نظری تأمین مالی خرد.....	۱۰۴
۱۰۴	۱-۲. تعریف.....	۱۰۴
۱۰۶	۲-۲. ضرورت.....	۱۰۶
۱۰۷	۲-۳. ویژگی‌های کلیدی تأمین مالی خرد.....	۱۰۷
۱۰۷	۲-۳-۱. هدف‌گذاری فقرای کارآفرین.....	۱۰۷
۱۰۷	۲-۳-۲. حذف وثیقه و جایگزینی آن با تعهد گروهی.....	۱۰۷
۱۰۹	۲-۳-۳. نرخ سود بالاتر از شبکه بانکی و کمتر از بازار غیررسمی.....	۱۰۹
۱۰۹	۲-۳-۴. نظارت پیوسته.....	۱۰۹
۱۱۰	۲-۳-۵. بازپرداخت در اقساط کم و به‌صورت هفتگی.....	۱۱۰
۱۱۰	۲-۳-۶. هدف‌گذاری زنان.....	۱۱۰
۱۱۱	۳. تجربه تأمین مالی خرد در برخی کشورهای پیشرو.....	۱۱۱

۱۱۱	۳-۱. بنگلادش (بانک گرامین).....
۱۱۴	۳-۲. هندوستان (بانک سوا).....
۱۱۵	۴. تحلیل تأمین مالی خرد متعارف در چارچوب اسلامی.....
۱۱۵	۴-۱. سازگاری اهداف تأمین مالی خرد با مبانی بانکداری اسلامی.....
۱۱۸	۴-۲. ضرورت استفاده از عقود اسلامی به جای قرض.....
۱۱۹	۴-۳. امکان تعیین نرخ سود بالاتر از شبکه بانکی.....
۱۲۰	۴-۴. هدف گذاری خانواده به جای هدف گذاری زنان.....
۱۲۰	۴-۵. تأکید بر توانمندسازی چندساخته.....
۱۲۱	۵. تأمین مالی خرد اسلامی در بانکداری بدون ربای ایران.....
۱۲۲	۶. جمع بندی و نتیجه گیری.....
۱۲۴	* سوالات فصل.....
۱۲۴	* منابع مورد استفاده.....
۱۲۷	* منابع جهت مطالعه بیشتر.....

فصل ششم: مدیریت ریسک در بانک های اسلامی

۱۲۹	۱. مقدمه.....
۱۳۰	۲. تعریف و ضرورت مدیریت ریسک در صنعت بانکداری.....
۱۳۲	۳. ریسک های مشترک بین بانک های متعارف و اسلامی.....
۱۳۲	۳-۱. ریسک اعتباری.....
۱۳۴	۳-۲. ریسک نقدینگی.....
۱۳۵	۳-۳. ریسک عملیاتی.....
۱۳۶	۳-۴. ریسک بازار.....
۱۳۸	۴. راهکارها و ابزارهای مشترک مدیریت ریسک بین بانک های اسلامی و متعارف.....
۱۳۸	۴-۱. ریسک اعتباری.....
۱۳۹	۴-۱-۱. پیشگیری.....
۱۳۹	۴-۱-۲. اندازه گیری.....
۱۴۰	۴-۱-۳. جبران.....
۱۴۰	۴-۲. ریسک نقدینگی.....
۱۴۱	۴-۲-۱. پیشگیری.....
۱۴۱	۴-۲-۲. اندازه گیری.....
۱۴۲	۴-۲-۳. جبران.....
۱۴۳	۴-۳. ریسک عملیاتی.....
۱۴۳	۴-۳-۱. پیشگیری.....
۱۴۳	۴-۳-۲. اندازه گیری.....
۱۴۴	۴-۳-۳. جبران.....

۱۴۴	۴-۴. ریسک بازار
۱۴۵	۴-۴-۱. پیشگیری
۱۴۵	۴-۴-۲. اندازه‌گیری
۱۴۶	۴-۴-۳. جبران
۱۴۶	۵. ریسک‌های خاص بانک‌های اسلامی
۱۴۶	۵-۱. ریسک شریعت
۱۴۷	۵-۲. ریسک انطباق با قوانین و مقررات بانکداری اسلامی (صوری‌سازی)
۱۴۹	۵-۳. ریسک اعتماد
۱۵۰	۶. راهکارها و ابزارهای مدیریت ریسک‌های اختصاصی بانک‌های اسلامی
۱۵۰	۶-۱. نظارت شرعی از طریق تشکیل شورای فقهی
۱۵۲	۶-۲. تقویت کنترل‌های داخلی از طریق تشکیل واحد انطباق با قوانین و مقررات
۱۵۳	۶-۳. متنوع‌سازی سپرده‌ها متناسب با سلیقه ریسک مشتریان
۱۵۳	۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۵۴	* سوالات فصل
۱۵۴	* منابع مورد استفاده
۱۵۷	* منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل هفتم: نظارت در بانکداری متعارف و بانکداری بدون ربا

۱۵۹	۱. مقدمه
۱۶۰	۲. جایگاه نظارت در بانکداری متعارف
۱۶۰	۲-۱. تعریف
۱۶۱	۲-۲. ضرورت
۱۶۲	۲-۳. اهداف
۱۶۴	۲-۴. رویکردها: نظارت سنتی و نظارت ریسک‌محور
۱۶۵	۲-۵. سطوح
۱۶۶	۲-۶. نهادها و شاخص‌ها
۱۶۸	۳. نظارت شرعی مکمل نظارت متعارف در بانکداری بدون ربا
۱۶۹	۳-۱. تعریف
۱۶۹	۳-۲. ضرورت
۱۶۹	۳-۳. تجربه نظارت شرعی در کشور مالزی (به‌عنوان نمونه‌ای از کشورهای اسلامی)
۱۷۳	۳-۴. استانداردهای بین‌المللی نظارت شرعی
۱۷۴	۳-۴-۱. هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB)
۱۷۶	۳-۴-۲. سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI)
۱۷۸	۳-۵. الگوهای نظارت شرعی
۱۷۸	۳-۵-۱. الگوی حداقلی

۱۷۹ ۲-۵-۳. الگوی حداکثری
۱۷۹ ۳-۵-۳. الگوی میانی
۱۷۹ ۴. نظارت شرعی در بانکداری بدون ربای ایران
۱۸۴ ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۸۵ * سوالات فصل
۱۸۶ * منابع مورد استفاده
۱۸۷ * منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل هشتم: جایگاه بانک مرکزی در بانکداری بدون ربا

۱۸۹ ۱. مقدمه
۱۹۰ ۲. تحلیل قانون عملیات بانکی بدون ربا از منظر بانکداری مرکزی
۱۹۱ ۱-۲. فعالیت بانک مرکزی در راستای برنامه‌های دولت
۱۹۳ ۲-۲. فقدان ابزارهای کارآمد برای سیاست‌گذاری پولی
۱۹۴ ۲-۳. تعیین اهداف چندگانه بدون اولویت‌بندی برای سیاست‌گذار پولی
۱۹۵ ۳. ابزارهای سیاست‌گذاری پولی در نظام بانکی کشور
۱۹۵ ۱-۳. سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی
۱۹۶ ۲-۳. سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی و پرداخت سود بر روی آن
۱۹۷ ۳-۳. اضافه برداشت و خطوط اعتباری بانک مرکزی
۱۹۸ ۳-۴. اوراق مشارکت بانک مرکزی
۲۰۱ ۴. اسناد خزانه اسلامی و کاربرد آن در سیاست‌گذاری پولی
۲۰۵ ۵. مباحث تکمیلی در تحلیل جایگاه و فعالیت بانک مرکزی در چارچوب اسلامی
۲۰۵ ۱-۵. نرخ سود عقود اسلامی جایگزین نرخ بهره سیاستی
۲۰۷ ۲-۵. هماهنگی بخش پولی با ملاحظات بخش واقعی
۲۰۸ ۳-۵. وجود شبهه در تعیین دستوری نرخ سود سیاستی
۲۰۹ ۴-۵. ضرورت طراحی بازار بین بانکی اسلامی با استفاده از ابزارهای منطبق با شریعت
۲۱۰ ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۱۲ * سوالات فصل
۲۱۲ * منابع مورد استفاده
۲۱۴ * منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل نهم: طراحی ابزارهای اسلامی برای سیاست‌گذاری پولی

۲۱۷ ۱. مقدمه
۲۱۸ ۲. ابزارهای منطبق با شریعت برای عملیات بازار باز
۲۲۰ ۱-۲. اسناد خزانه اسلامی
۲۲۱ ۲-۲. صکوک مرابحه

۲۲۱	۲-۳. صکوک اجاره
۲۲۲	۳. ابزارهای منطبق با شریعت برای عملیات شبه بازار باز
۲۲۴	۳-۱. تشکیل استخر دارایی‌های سودده بانک مرکزی و انتشار اوراق اجاره براساس آن
۲۲۵	۳-۲. انتشار صکوک بیع دین براساس مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها
۲۲۶	۴. ابزارهای منطبق با شریعت برای پنجره تنزیل بانک مرکزی
۲۲۸	۴-۱. استفاده از عقد بیع دین بر روی اسناد طلب بانک‌ها
۲۲۹	۴-۲. فروش و اجاره مجدد اسناد دارایی‌های غیرمنقول بانک‌ها
۲۲۹	۵. ابزارهای منطبق با شریعت برای توسعه بازار بین بانکی
۲۳۱	۵-۱. خریدوفروش انواع اوراق با کیفیت دولتی (اسناد خزانه، صکوک اجاره و غیره)
۲۳۲	۵-۲. خریدوفروش گواهی سپرده سرمایه‌گذاری خاص (برای فعالیت‌های مبادله‌ای)
۲۳۲	۶. ملاحظات و الزامات کلی در استفاده از ابزارهای اسلامی برای سیاست‌گذاری پولی
۲۳۳	۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۳۶	* سوالات فصل
۲۳۶	* منابع مورد استفاده
۲۳۸	* منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل دهم: تحلیل عملکرد و آسیب‌شناسی تجربه بانکداری بدون ربا در ایران از منظر انطباق با شریعت

۲۴۱	۱. مقدمه
۲۴۲	۲. تحلیل عملکرد نظام بانکی کشور از منظر اهداف بانکداری بدون ربا
۲۴۲	۲-۱. عدالت اقتصادی
۲۴۵	۲-۲. انطباق با معیارهای فقه اسلامی
۲۴۶	۲-۳. ارتباط بخش پولی با بخش واقعی اقتصاد
۲۵۰	۳. چالش‌های کلی نظام بانکی کشور در اجرای بانکداری بدون ربا
۲۵۰	۳-۱. غلبه رویکرد دولتی و ضعف در رقابت
۲۵۲	۳-۲. اصلاح‌نشدن قانون متناسب با تحولات جدید
۲۵۳	۳-۳. نبود چارچوب مشخص برای نظارت شرعی
۲۵۴	۳-۴. ضعف در متنوع‌سازی ابزارها برای پاسخگویی به سلیق مشتریان
۲۵۶	۳-۵. انحراف عملی مفهوم وجه التزام تأخیر تأدیه
۲۵۸	۳-۶. مدیریت و هدایت نرخ سود
۲۵۹	۳-۷. بنگاهداری و شرکت‌داری گسترده بانک‌ها
۲۶۱	۳-۸. ضعف در ساختار سازمانی، اداری، حسابداری و نرم‌افزاری بانک‌ها
۲۶۱	۴. چالش‌های فقهی قراردادهای مصوب بانک مرکزی برای شبکه بانکی
۲۶۴	۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۲۶۶	سؤالات فصل	❖
۲۶۶	منابع مورد استفاده	❖
۲۶۸	منابع برای مطالعه بیشتر	❖
۲۷۱	نمایه اصطلاحات	

فصل اول

تورم و کاهش ارزش پول در چارچوب اسلامی

※ اهداف فصل

انتظار می‌رود خواننده پس از مطالعه این فصل بتواند:

- ✓ مفهوم و آثار اقتصادی پدیده تورم را درک کند؛
- ✓ کاربردهای مسئله کاهش ارزش پول در صنعت بانکداری را شناسایی کند؛
- ✓ مسئله کاهش ارزش پول در عصر پیامبر ﷺ و ائمه اطهار را مورد ارزیابی قرار دهد؛
- ✓ مهم‌ترین دیدگاه‌های مطرح شده در زمینه جبران کاهش ارزش پول را مورد تحلیل و نقد قرار دهد.

۱. مقدمه

یکی از چالش‌هایی که امروزه سیاست‌گذاران اقتصادی در کشورهای گوناگون با آن مواجه هستند، مسئله تورم و کاهش ارزش پول است. در واقع، به دلیل اینکه در اقتصادهای جدید، بانک‌های مرکزی بدون محدودیت فنی، از توانایی چاپ اسکناس و خلق اعتبار برخوردار هستند، این امکان وجود دارد که از این قدرت بیش از اندازه استفاده شود و ارزش پول کاهش یابد.

ایجاد تورم آثار اقتصادی و اجتماعی مختلفی در زندگی عموم مردم بر جای می‌گذارد که بدون شک مهم‌ترین آن کاهش قدرت خرید عمومی است. در واقع با ایجاد هر واحد تورم، قدرت خرید پول و اعتبار موجود در جامعه کاهش می‌یابد و از این رو با مقدار مشخصی پول، سبد کوچک‌تری از کالاها و خدمات را می‌توان خرید.

مسئله تورم و کاهش ارزش پول یکی از موضوعاتی است که می‌تواند در چارچوب اسلامی نیز مطرح و مورد بحث واقع شود. در واقع سؤال آن است که آیا در صورت ایجاد تورم و کاهش ارزش پول، جبران این کاهش به لحاظ شرعی ضروری است یا خیر؟

گفتنی است که تحلیل جایز بودن یا نبودن جبران کاهش ارزش پول در چارچوب اسلامی، صرفاً بحث نظری و علمی نیست و می‌تواند در عمل در موارد متعدد کاربرد داشته باشد؛ مانند تعیین میزان بازپرداخت در عقد قرض (به‌ویژه قرض‌های بلندمدت)؛ تعیین میزان ادای هرگونه دین (به‌ویژه پس از گذشت مدت طولانی) مثلاً پرداخت خمس، زکات و دیگر پرداخت‌های واجب که بر عهده فرد آمده، ولی انجام نداده است؛ مالیات پرداخت نشده، مهریه و حق بیمه پرداخت نشده؛ تأخیر در پرداخت قراردادهای رهن و اجاره مسکن؛ جبران کاهش ارزش پول در مورد سپرده‌های بانکی و غیره. با وجود این تمرکز این فصل به طور عمده بر مباحث نظری است و در بعد کاربردی هم به صورت مختصر به کاربرد بحث در صنعت بانکداری پرداخته می‌شود. این فصل از تحقیق تلاش می‌کند تا موضوع تورم و کاهش ارزش پول در چارچوب اسلامی را مورد بحث قرار دهد. ساختار فصل بدین صورت است که پس از این مقدمه، به موضوع‌شناسی مفهوم و آثار تورم پرداخته می‌شود. در ادامه، مسئله کاهش ارزش پول در عصر پیامبر ﷺ و ائمه اطهار مورد بحث واقع می‌شود و سپس مهم‌ترین دیدگاه‌های مطرح در زمینه جبران کاهش ارزش پول مورد ارزیابی و نقد قرار می‌گیرد. بحث جبران کاهش ارزش پول از منظر قوانین موضوعه کشور، در قسمت بعد مطرح شده و بخش پایانی نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص می‌یابد.

۲. کاهش ارزش پول و تورم

کاهش ارزش پول‌های اعتباری پیش از بررسی از منظر احکام شرعی، نیازمند موضوع‌شناسی صحیح است. در این قسمت به مفهوم، آثار اقتصادی و کاربردهای بحث کاهش ارزش پول در صنعت بانکداری اشاره می‌شود.

۲-۱. مفهوم تورم

بر اساس تعریف، تورم عبارت است از افزایش پایدار سطح عمومی قیمت‌های کالاها و خدمات در یک اقتصاد در یک بازه زمانی مشخص. زمانی که تورم اتفاق می‌افتد، با هر واحد از پول، تعداد کمتری از کالاها و خدمات را می‌توان خریداری کرد که این به مفهوم کاهش قدرت خرید پول است (فرهنگ لغات اقتصادی پالگریو^۱، ۲۰۱۳، ص ۱۰۹).

1. Palgrave

۲-۲. آثار اقتصادی تورم

کاهش ارزش پول رسمی در هر کشور، آثار گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره به همراه دارد. در ادامه صرفاً به برخی از آثار اقتصادی تورم اشاره می‌شود.

۲-۲-۱. کاهش ارزش پول نقد، سپرده‌های بانکی و مطالبات

تورم سبب می‌شود تا قدرت خرید کسانی کاهش یابد که منابع نقد در اختیار دارند. به‌دیگرسخن، سبد کالاها و خدمات قابل خرید برای هر فرد جامعه (در ازای منابع نقدی که در اختیار دارد) با ایجاد تورم کوچک‌تر می‌شود. افزون‌براین، دارندگان سپرده‌های بانکی نیز از این مسئله ضرر می‌کنند و قدرت خرید منابع آنها در پایان دوره سپرده‌گذاری (حتی با فرض دریافت سود) ممکن است از ابتدای دوره کمتر باشد (برنسون^۱، ۲۰۱۲، ص ۱۲۵).

کاهش ارزش واقعی طلب طلبکاران از بدهکاران، اثر دیگر اقتصاد تورمی است. درواقع، تورم سبب می‌شود ارزش واقعی دین بدهکاران و تسهیلات‌دهندگان کاهش یابد. این خود می‌تواند دو اثر منفی ایجاد کند: نخست، بدهکاران این طور احساس می‌کنند که در صورت تأخیر در بازپرداخت منابع، می‌توانند ارزش واقعی کمتری را بازگردانند. قرض‌دهندگان و تسهیلات‌دهندگان نیز تلاش می‌کنند تا حد ممکن از قرض دادن و پرداخت تسهیلات خودداری کنند و یا شرایط سختی برای آن در نظر بگیرند.

۲-۲-۲. افزایش ارزش دارایی‌های غیرمنقول و کالاها

در نقطه مقابل کاهش ارزش پول نقد و سپرده‌های بانکی در اثر ایجاد تورم، افزایش یا حداقل حفظ قدرت خرید دارایی‌های غیرمنقول و کالاها قرار دارد. درواقع افرادی که مالک دارایی‌هایی نظیر زمین، ساختمان، مغازه، خودرو و غیره هستند، در اثر ایجاد تورم آسیب زیادی نمی‌بینند. حتی معمولاً افزایش قیمت دارایی‌های آنها بیش از تورم بوده و این به معنای منفعت بردن این گروه از تورم است.

۲-۲-۳. اثر منفی بر توزیع درآمد و عدالت اجتماعی

دقت در دو اثر قبلی تورم نشان می‌دهد که این پدیده بر توزیع درآمد و عدالت اجتماعی نیز تاثیر

1. Branson

دارد. در واقع، تورم باعث می‌شود قدرت خرید گروه‌هایی از جامعه (دارندگان اموال غیرمنقول و دیگر کالاها) افزایش یابد و در مقابل قدرت خرید دارندگان منابع نقد، کارمندان دولت، بازنشستگان و غیره کاهش یابد. این خود می‌تواند در میان مدت و بلندمدت، به تغییر وضعیت توزیع درآمد جامعه به ضرر اقشار پایین درآمدی بینجامد (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۹۳، ص ۱۴).

۲-۲-۴. تغییر رفتارهای اقتصادی عموم مردم

کاهش ارزش پول سبب می‌شود رفتارهای اقتصادی عموم مردم در طول زمان دچار تغییر شود. در واقع، زمانی که تورم در یک اقتصاد نهادینه شود و عموم مردم این باور را داشته باشند که پدیده تورم در آینده نیز (مانند گذشته) وجود خواهد داشت، آنگاه با انواعی از روش‌ها تلاش می‌کنند تا ریسک خود را در مقابل این خطر و هزینه ناخواسته پوشش دهند.

به‌عنوان مثال، در کشور ایران در گذشته مهریه بانوان هنگام عقد ازدواج به‌صورت پول رایج تعیین می‌شد؛ ولی به‌دلیل وجود تورم‌های دورقمی، واکنش عموم نسبت به این مسئله برانگیخته شده است. به‌نحوی که هم‌اکنون به‌ندرت مشاهده می‌شود که مهریه بانوان وجه نقد تعیین شود؛ بلکه در مقابل از سکه طلا استفاده می‌شود که قیمت آن معمولاً متناسب با تورم (و بلکه بیشتر از آن) افزایش دارد.

۲-۳-۳. کاربردهای بحث در صنعت بانکداری

هرچند مسئله تورم و کاهش ارزش پول در تمامی فعالیت‌های اقتصادی دارای تاثیر و کاربرد است، ولی بدون شک یکی از مهم‌ترین کاربردهای آن در صنعت بانکداری است. در ادامه به برخی آثار تورم و کاهش ارزش پول در صنعت بانکداری اشاره می‌شود.

۲-۳-۱. کاهش ارزش منابع سپرده‌گذاران

معمولاً عمده بانک‌های تجاری دارای دو گروه سپرده هستند که عبارت‌اند از سپرده‌های غیرسودده (شامل سپرده‌های جاری و پس‌انداز) و سپرده‌های سرمایه‌گذاری سودده. تورم سبب می‌شود قدرت خرید تمامی انواع سپرده‌ها کاهش یابد. در واقع سپرده‌گذار در روز اولی که منابع خود را نزد بانک قرار می‌داد می‌توانست با آن سبد مشخصی از کالاها و خدمات خریداری کند؛

تورم و کاهش ارزش پول در چارچوب اسلامی ۵

اما در سررسید که سپرده خود را از بانک دریافت می‌کند، دیگر نمی‌تواند همان سبد کالاها و خدمات را خریداری کند.

البته تاثیر منفی تورم بر سپرده‌های جاری و پس‌انداز بیش از سپرده‌های سرمایه‌گذاری است. دلیل این مسئله آن است که سپرده‌های سرمایه‌گذاری دارای سود هستند و این سود می‌تواند به‌نحوی تعیین شود که تا حدی مسئله کاهش ارزش سپرده را جبران کند؛ اما در سپرده‌های جاری و پس‌انداز چنین جبرانی وجود ندارد (گالی^۱، ۲۰۰۸، ص ۷۸).

۲-۳-۲. کاهش ارزش اقساط تسهیلات گیرندگان

تورم رابطه بانک با تسهیلات‌گیرنده را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ زیرا با ایجاد تورم ارزش اقساطی که مشتری به بانک می‌پردازد در طول زمان کاهش می‌یابد. به‌ویژه اگر تسهیلات بانکی میان‌مدت یا بلندمدت (مثلاً دوازده ساله) باشد؛ زیرا در این نوع تسهیلات ارزش اقساط ممکن است به میزان قابل توجهی کاهش یابد.

این مسئله از یک سو به سود تسهیلات‌گیرنده و از سوی دیگر به ضرر بانک است. در واقع، تسهیلات‌گیرنده می‌داند با گذشت زمان ارزش واقعی اقساطی که به بانک می‌پردازد کاهش می‌یابد و این برای وی مفید است. در مقابل، با کاهش ارزش اقساط بانک ضرر خواهد کرد؛ زیرا ارزش واقعی منابعی که دریافت می‌کند کاهش می‌یابد. شاید به‌همین دلیل است که در اقتصادهای تورمی بانک‌ها سعی می‌کنند تا حد ممکن تسهیلات طولانی‌مدت پرداخت نکنند؛ زیرا پیش‌بینی وضعیت تورم در کوتاه‌مدت ساده‌تر از بلندمدت است.

۲-۳-۳. افزایش مطالبات غیرجاری

مطالبات غیرجاری یکی از چالش‌های نظام بانکی در اقتصاد ایران و برخی دیگر از کشورها به شمار می‌رود. بدون شک تورم یکی از عوامل اثرگذار در افزایش مطالبات غیرجاری است. دلیل این مسئله آن است که در یک اقتصاد تورمی تسهیلات‌گیرنده احساس می‌کند که هر چه اقساط خود را با تأخیر بیشتری پرداخت کند، مقدار واقعی کمتری به بانک باز می‌گرداند (شعبانی و جلالی، ۱۳۹۰، ص ۱۳).

1. Gali

حتی با این فرض که بانک‌ها برای تأخیر جریمه در نظر بگیرند، باز هم تأخیر می‌تواند به نفع مشتری باشد. به‌عنوان مثال، هم‌اکنون بانک‌های کشور پس از سررسید، جریمه‌ای معادل نرخ سود به علاوه شش درصد بر روی مانده بدهی مشتری اعمال می‌کنند؛ اما در شرایطی که تورم در سطوح بالا قرار دارد، حتی این نرخ بالا نیز نمی‌تواند مشتری را به پرداخت به‌موقع ترغیب کند (شعبانی و جلالی، ۱۳۹۰، ص ۱۴).

۲-۳-۴. کاهش نرخ سود واقعی

آخرین و شاید مهم‌ترین تأثیر تورم بر شبکه بانکی، ایجاد اخلال در قیمت محصولات بانکی و سازوکار بازار است؛ یعنی تورم سبب می‌شود نرخ سود واقعی سپرده‌ها کاهش یابد و انگیزه مشتریان برای سپرده‌گذاری کاسته شود. در مقابل، نرخ سود واقعی تسهیلات نیز کاهش و تقاضا برای منابع بانکی افزایش یابد (شعبانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱).

در این شرایط اگر دولت و بانک مرکزی سیاست ناصحیح تعیین دستوری نرخ‌های سود سپرده و تسهیلات را در دستور کار قرار دهند (مشابه وضعیتی که در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود) آنگاه زمینه تشکیل صف برای منابع بانک و ایجاد مفاسد گوناگونی چون رشوه به کارمندان و مدیران بانکی فراهم می‌شود؛ زیرا در شرایط تورمی، در نظر گرفتن نرخ سقف برای تسهیلات سبب ایجاد رانت برای دریافت‌کنندگان منابع محدود با نرخ‌های واقعی ترجیحی و ارزان می‌شود و این خود ریشه اصلی ایجاد برخی مفاسد مهم بانکی است (همان).

۳. تورم و کاهش ارزش پول در عصر پیامبر ﷺ و ائمه اطهار

پرسشی که در این قسمت مطرح می‌شود آن است که آیا کاهش سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) مخصوص اقتصادهای اعتباری جدید است و یا اینکه این پدیده در عصر پیامبر ﷺ و امامان نیز وجود داشته است؟ به نظر می‌رسد دستیابی به پاسخ این پرسش می‌تواند نتایج کاربردی مهمی برای توسعه نظریه بانکداری اسلامی و کاربرد آن در عصر حاضر به همراه داشته باشد.

در رابطه با مسئله تورم و کاهش ارزش پول در عصر پیامبر ﷺ و ائمه می‌توان به مباحث، روایات و مستندات تاریخی مختلفی اشاره کرد؛ اما با توجه به اینکه پرداختن به این جزئیات از حوصله این تحقیق خارج است، در اینجا صرفاً به مهم‌ترین یافته‌های تحقیقات گذشته در این رابطه اشاره می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۹):

تورم و کاهش ارزش پول در چارچوب اسلامی ۷

الف. در زمان پیامبر ﷺ و ائمه (علیهم السلام)، معاملات مردم یا به صورت کالا به کالا و یا با پول‌های کالایی (سکه‌های درهم و دینار) صورت می‌پذیرفت؛ از این رو پول غیرکالایی یا اعتباری به صورتی که در اقتصادهای امروزی وجود دارد در آن دوره اساساً وجود خارجی نداشت؛

ب. مسائل و پدیده‌های مختلفی در عصر پیامبر ﷺ و ائمه (علیهم السلام) ممکن بود حجم پول (درهم و دینار) موجود در اقتصاد را تحت تاثیر قرار دهد که سه مورد از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

• **ضرب سکه:** تا سال ۷۷ هجری قمری (زمان حکومت عبدالملک) سکه‌های رایج در معاملات بین مسلمانان، به‌طور عمده درهم‌های ایرانی و دینارهای رومی بود؛ از این رو به‌لحاظ تاریخی در این دوره چندان ضرب سکه جدید اسلامی ملاحظه نمی‌شود؛ ولی از زمان عبدالملک، سکه‌های اسلامی در تمامی سرزمین‌های اسلامی گسترش پیدا کرد. با وجود این، فرآیند کار معمولاً بدین صورت بود که سکه‌های درهم و دینار ایرانی و رومی را ذوب و آنها را به سکه‌های اسلامی تبدیل می‌کردند. بر این اساس، ضرب سکه تاثیر چندانی روی عرضه پول و در نتیجه کاهش دائمی سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) نداشت (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۹).

• **ذوب سکه‌ها:** با توجه به ماهیت کالایی پول درهم و دینار، هنگامی که ارزش فلز مورد استفاده در سکه‌ها از ارزش مبادله‌ای آنها به علاوه هزینه ذوب، بالاتر می‌رفت، عده‌ای از مردم تلاش می‌کردند تا با ذوب کردن سکه‌ها، از این فرصت استفاده کنند. با وجود این، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که با توجه به نهی شارع از شکستن و ذوب سکه‌ها و برخورد خلفا با این عمل، این عمل تاثیر چندانی در کاهش عرضه پول نداشت.

• **فتوحات مسلمانان:** به‌لحاظ تاریخی، در صدر اسلام مسلمانان چندین کشور را فتح کردند که این فتوحات سبب شد حجم درهم و دینار در حکومت اسلامی افزایش یابد؛ ولی با توجه به اینکه کشورهای فتح شده به قلمرو حکومت اسلامی اضافه می‌شدند و تجارت کالا نیز به صورت آزاد بین عربستان و سرزمین‌های فتح شده رواج داشت، حجم پول و کالاها (در کل اقتصاد) به صورت متناسب با یکدیگر رشد می‌کرد و این تغییر چندانی در سطح عمومی قیمت‌ها ایجاد نمی‌کرد.

پ. هر چند سه عامل یادشده به‌لحاظ نظری می‌توانستند حجم عرضه پول را به نحوی تغییر دهند که سطح عمومی قیمت‌ها در اقتصاد تغییر کند؛ ولی به دلایلی که ذکر شد، در عمل تغییرات عرضه پول محدود بود و تاثیر بادوام و اثرگذاری در تغییر سطح عمومی قیمت‌ها و ایجاد تورم نداشت (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۰).

ت. روایات و مستندات تاریخی گوناگونی وجود دارد که نشان می‌دهد سطح عمومی قیمت‌ها در زمان پیامبر ﷺ و عصر ائمه علیهم‌السلام دچار تغییراتی بوده است. همچنین، روایاتی وجود دارد که در رابطه با آثار اجتماعی و فرهنگی گرانی بحث می‌کند. برای نمونه، در کتاب شریف فروع کافی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است: «گرانی قیمت‌ها اخلاق و رفتار مردم را بد می‌کند، امانت‌داری را از بین می‌برد و مردم مسلمان را در فشار و سختی به ستوه می‌آورد»^۱ (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۱۶۴).

با وجود این، به نظر می‌رسد تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها در زمان پیامبر ﷺ و عصر ائمه علیهم‌السلام به میزان محدود و مشخصی اتفاق افتاده و به میزانی نبوده است که در اثر آن رفتارهای اقتصادی و روابط مالی بین اشخاص تحت تاثیر قابل ملاحظه قرار گیرد (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۰).

ث. عوامل طبیعی (مانند احتکار، خشکسالی و قحطی) در زمان پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام در مواردی اتفاق افتاده است. این عوامل زمینه کاهش عرضه کالاها نسبت به تقاضا و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را فراهم می‌کردند. با وجود این، موارد یادشده حالت موقتی داشته و معمولاً در رابطه با کالاهای خاص (قیمت‌های نسبی) اتفاق می‌افتادند و نه تمامی کالاها (سطح عمومی قیمت‌ها).

ج. پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام در رابطه با افزایش قیمت‌های ناشی از عوامل طبیعی (همانند خشکسالی و قحطی) اقدام خاصی انجام نمی‌دادند؛ ولی در موارد خاص با افزایش قیمتی که از رفتارهای نادرست مردم سرچشمه می‌گرفت، به مقابله می‌پرداختند. برای مثال، روایات متعددی در رابطه با منع احتکار و همچنین مقابله عملی با آن ذکر شده است.

مباحث مطرح شده در این قسمت را می‌توان بدین صورت جمع‌بندی کرد که هرچند مسلماً تغییرات عرضه پول در عصر پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام وجود داشته است؛ ولی این تغییرات محدود و موقت بود و تاثیر چندانی در واکنش عرف نداشت و قابل مقایسه با تغییرات گسترده حجم پول در اقتصادهای اعتباری جدید نیست (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۹).

به‌دیگرسخن، هرچند تورم در اقتصادهای اعتباری جدید پدیده‌ای است که موضوع یا متعلق حکم فقهی قرار می‌گیرد، ولی در صدر اسلام پیشینه نداشته است. این خود به معنای «مستحدث بودن» پدیده تورم در اقتصادهای اعتباری جدید است. براین اساس، حکم شرعی تورم پول اعتباری را باید براساس اصول عام فقهی یا عقلی جستجو کرد.

۱. «عَلَاءُ السَّعْرِ يُسِيءُ الْخُلُقَ وَ يَذْهَبُ الْأَمَانَةَ وَ يُضْجِرُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ».

۴. ارزیابی و تحلیل دیدگاه‌های مطرح در زمینه جبران کاهش ارزش پول

مقوله تورم و جبران کاهش ارزش پول از موضوعاتی است که پیش‌تر مورد توجه فقها، پژوهشگران اقتصاد و بانکداری اسلامی واقع و دیدگاه‌های مختلفی در رابطه با آن ارائه شده است. در این قسمت دیدگاه‌های مهم ارزیابی و نقد می‌شود.^۱

۴-۱. معیار بودن ارزش اسمی پول

مدافعان این دیدگاه معتقدند پول جزء اموال مثلی به شمار می‌رود و براساس تعریف مشهور فقها مال مثلی آن است که: «افراد آن دارای ویژگی‌هایی باشد که میزان رغبت عموم مردم به افراد آن و قیمت افرادش به واسطه آن ویژگی‌ها اختلاف نیابد. هر چیزی که غالباً (نه به صورت نادر) اینگونه باشد، مثلی خواهد بود و این مطلب به حسب زمان‌ها، مکان‌ها و کیفیت‌های مختلف تفاوت می‌یابد» (طباطبایی یزدی، ۱۳۳۷ق، ص ۱۲۱).

ازسوی دیگر، این دیدگاه در فقه اسلامی پذیرفته شده است که ضمان کالای مثلی به مثل است. براین اساس، چون پول اعتباری عصر جدید نیز از منظر فقهی کالای مثلی بوده و ضمان آن نیز صرفاً به مثل است، پرداخت هر نوع مازادی به دلیل کاهش ارزش پول و ایجاد تورم ناصحیح بوده و مصداق ربای قرضی به شمار می‌رود (حائری، ۱۳۶۹، ص ۱۵).

بنابراین، از نظر طرفداران این دیدگاه پول‌های امروزی به لحاظ ارزش مبادله‌ای اسمی مثل هم هستند. همچنین، مدافعان این دیدگاه در پاسخ به این سؤال که: «چطور می‌توان پول کاهش ارزش یافته را مثل پول دارای قدرت خرید بیشتر دانست؟» به چند نکته اشاره می‌کنند. گروهی (مانند آیت‌الله سیستانی) این طور مطرح می‌کنند که صرف وجود اعتبار قانونی، مقوم مثلیت پول است؛ لذا مادام که پول به کلی از اعتبار ساقط نشده، مثلی است (جامعه مدرسین، ۱۳۹۱، ص ۲۲۷).

۱. یادآوری این نکته لازم است که مباحث این قسمت به صورت کاملاً مختصر و در حد نیازهای این پژوهش مطرح و از بیان جزئیات فنی و فقهی خودداری شده است. علاقه‌مندان می‌توانند مباحث تکمیلی را در دیگر منابع پیگیری کنند. همچنین، هرچند مباحث مرتبط با ابعاد فقهی جبران کاهش ارزش پول پس از انقلاب در مقاطع مختلفی در کشور مطرح شده، اما بیشترین مباحث و گسترده‌ترین استفتانات مربوط به سال ۱۳۷۵ است که به دلیل بررسی مواد مربوط به خانواده و حقوق زنان در مجلس شورای اسلامی، کمیسیون امور حقوقی و قضایی مجلس استفتانات گسترده‌ای را از مراجع عظام تقلید ایران و نجف دریافت کرد.

گروهی دیگر معتقدند مثلی بودن به لحاظ اوصاف ذاتی پول است و نه اوصاف نسبی و وصف ذاتی پول‌های امروزی همان دارای اعتبار و ارزش مبادله‌ای قانونی بودن است و نه قدرت خرید. آیت‌الله حائری در توجیه این دیدگاه می‌نویسد: «اشیای مثلی ویژگی‌های متفاوتی دارند و باید ملاحظه شود که کدام نوع ویژگی‌ها در مثلثیت آنها دخالت دارند. در این رابطه می‌توان به سه گروه از این ویژگی‌ها اشاره کرد: گروه اول، صفات ذاتی اشیاء مثلی هستند (با ذات اشیاء مثلی گره خورده‌اند)؛ مانند سیاهی و سفیدی؛ ولی گروه دوم، صفاتی هستند که با ذات اشیاء ارتباط ندارند و با توجه به نیازهای انسان به اشیاء شکل می‌گیرند؛ مانند اینکه ویژگی لباس آن است که انسان را از سرما حفظ می‌کند. سرانجام، گروه سوم، ویژگی‌های نسبی اشیاء هستند که در مقایسه با دیگر کالاها و اموال مطرح می‌شود؛ مانند گرانی، ارزانی و قدرت خرید. به نظر می‌رسد از نظر عرفی، فقط ویژگی‌های ذاتی (گروه اول) در مثلثیت اشیاء (از جمله پول) دخالت دارد؛ ولی صفات گروه دوم و سوم (مانند قدرت خرید) تاثیری در مثلثیت پول ندارد و در صورت کاهش ضمان آور نبوده و جبران آن لازم نیست» (حائری، ۱۳۷۸، ص ۲۶).

گروه دیگری هم معتقدند مقوم مثلثیت پول، همان ارزش مبادله‌ای اسمی است و نه قدرت خرید. همچنین، برخورداری از ارزش مبادله‌ای اعتباری، وجه مشترک پول‌های امروزی و درهم و دینار است. لذا همان‌گونه که کاهش ارزش در مورد آنها قابل جبران نیست، در پول‌های امروزی نیز نمی‌توان حکم به جبران نمود (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۷۶). در نقد این دیدگاه^۱ می‌توان این طور مطرح کرد که عنوان مثلی و قیمی (که در کتب فقهی در ذیل بحث ضمان مورد بحث قرار می‌گیرد)، مفاهیمی عرفی و انتزاعی بوده و توسط شارع وضع نشده‌اند. بنابراین، جهت درک ماهیت آنها در هر زمان، باید به عرف مراجعه کرد.

از سوی دیگر، دقت در عرف امروزی نشان می‌دهد که قدرت خرید با ماهیت و ذات پول اعتباری گره خورده است و از این رو نمی‌توان نقش قدرت خرید را در مثلثیت پول اعتباری نادیده گرفت. از این رو برخی از فقها قدرت خرید را جزء ذاتی در مثلی بودن پول اعتباری به شمار آورده‌اند. این دیدگاه مورد تأیید فقهایمانند آیت‌الله صانعی قرار گرفته است (نظری و غفوری

۱. گفتنی است که هریک از دیدگاه‌هایی که در این قسمت (و قسمت‌های بعد) مورد نقد قرار می‌گیرد، دارای نقاط قوتی نیز هستند که به دلیل اختصار از طرح آنها خودداری می‌شود.

چرخایی، ۱۳۸۹، ص ۸). بنابراین، تأکید صرف بر مسئله مثلی بودن پول نمی‌تواند به‌عنوان یک استدلال مناسب پذیرفته شود.^۱

۴-۲. معیار قدرت خرید پول

فقه‌های مدافع این دیدگاه معتقدند به دلایل گوناگون، آنچه در رابطه با پول‌های اعتباری دارای اهمیت می‌باشد چیزی نیست جز قدرت خرید. به‌همین دلیل، جبران کاهش قدرت خرید مازاد محسوب نمی‌شود که شبهاتی مانند ربا در رابطه با آن مطرح شود.

در تبیین این دیدگاه استدلال‌های متفاوتی ارائه شده که شاید مهم‌ترین آنها این باشد که اساساً ماهیت پول‌های اعتباری چیزی جز قدرت خرید نیست. برای مثال، برخی این‌طور مطرح کرده‌اند که پول‌های امروزی کالا نیستند که ارزش آنها به ارزش مصرفی ارتباط داشته باشد؛ بلکه ارزش آنها به قدرت خرید وابسته است. برخی دیگر نیز معتقدند حفظ ارزش و قدرت خرید پول (که از کارکردهای اصلی پول است) مستلزم پذیرش لزوم جبران است (جامعه مدرسین، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱).

براین اساس، مثلاً در عقد قرض، قرض‌گیرنده‌ای که پس از چند سال قرض خود را بازپرداخت می‌کند، اگر کاهش قدرت خرید پول قرض گرفته شده را جبران کند، درواقع اصل منابعی که قرض گرفته را بازگردانده و مازادی قابل تصور نیست (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، ص ۴).

آیت‌الله موسوی بجنوردی در توجیه این دیدگاه می‌نویسد: «به نظر ما پول نه مثلی است نه قیمی؛ هرچند مال است؛ زیرا ضابطه مثلی و قیمی که فقها بیان می‌کنند، مربوط به اموال و کالاهایی است که ارزش ذاتی دارند. درواقع، فقها کالاها را به دو قسم قیمی و مثلی تقسیم نموده‌اند؛ ولی اسکناسی که صرفاً مال اعتباری است، شامل این تقسیم‌بندی نمی‌شود و به تعبیر اصطلاحی، پول تخصصاً و موضوعاً از بحث مثلی و قیمی خارج است؛ زیرا امروز کسی پول را کالا نمی‌داند؛ بلکه آن را تنها نشانه قدرت خرید به حساب می‌آورد و نه چیز دیگر» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵، ص ۳).

در نقد این دیدگاه می‌توان این‌طور مطرح کرد که استدلال‌های مطرح شده در دفاع از معیار

۱. افزون‌براین، به‌طورکلی ادله دیدگاه‌های رقیب یعنی قائلین به جبران به‌صورت مطلق و یا با تفصیل، درواقع انتقاداتی بر این دیدگاه محسوب می‌شود.

بودن قدرت خرید، قابل نقد به نظر می‌رسند. به‌عنوان مثال، هیچ فقیهی در بحث از مثلی و قیمی، تفصیلی بین مال اعتباری و غیراعتباری قائل نشده است؛ بلکه تقریباً عمده فقها پول اعتباری را مالی مثلی در نظر می‌گیرند. اگر این ادعا که پول اعتباری صرفاً نشانه قدرت خرید است پذیرفته شود، آنگاه تالی فاسدی پدید می‌آید. در واقع، ثمره این دیدگاه آن است که پول‌های کاغذی نه مال دارای قدرت خرید است و نه عین قدرت خرید؛ بلکه فقط نشانه قدرت خرید به شمار می‌آیند. چنین تعریفی پول را از ویژگی مال بودن خارج می‌کند و به آن جنبه سندیت می‌دهد که هیچگونه ارزشی نداشته و فقط مسند الیه آن دارای ارزش است. این در حالی است که همان‌طور که اکثر اندیشمندان مطرح کرده‌اند، عرف پول را مال می‌داند و نه صرفاً ابراز و نماینده قدرت خرید (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۰). با وجود این، نمی‌توان نقش قدرت خرید را در پول‌های اعتباری امروزی به‌طور کلی نادیده گرفت.

۳-۴. ضرورت تفصیل

پژوهشگران مدافع این دیدگاه^۱، بر اساس معیارهای گوناگونی به تفصیل معتقد هستند. در واقع، معتقدند حکم کلی در رابطه با جبران کاهش ارزش پول در تمامی شرایط نمی‌توان داد و نیاز به تفصیل و تفکیک بین شرایط مختلف وجود دارد.

یکی از مهم‌ترین معیارهای تفصیل، تفاوت گذاشتن بین شرایط غصب و غیر غصب است. این دیدگاه توسط برخی از اندیشمندان مانند آیت‌الله صافی مطرح شده و به نظر می‌رسد مفاد برخی از قوانین (مانند ماده ۵۲۲ قانون مدنی که در قسمت بعد مورد بحث قرار می‌گیرد) متأثر از این دیدگاه فقهی است (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۱).

در تبیین دیدگاه یادشده این طور مطرح شده است: «به‌طور کلی اگر بدهی اشخاص، اسکناس رایج و مانند آن باشد و موعد پرداخت آن رسیده باشد یا اشتغال ذمه به آن به‌طور نقد باشد (به عبارت دیگر بدهی مذکور حال یا در حکم حال باشد) و با مطالبه طلبکار، بدهکار

۱. ذکر این نکته لازم است که دیدگاه تفصیل صرفاً محدود به غصب یا غیرغصب نیست و برخی دیگر از پژوهشگران بر اساس معیارهای دیگری مانند تفصیل بین میزان تورم، تفصیل بین مهریه و قرض، تفصیل بین اطلاع و عدم اطلاع و تفصیل بین طولانی‌مدت بودن یا نبودن تورم از این نظریه دفاع کرده‌اند. علاقه‌مندان می‌توانند ارزیابی و نقد این دیدگاه‌ها را در دیگر منابع پیگیری کنند.

مسامحه و تأخیر در ادا نماید و با افزایش شاخص قیمت‌ها و تغییر قدرت خرید، مالیت و قدرت خرید آن زائد از متعارف و به‌نحو غیرمتسامح‌فیه کاهش یابد، ظاهر این است که عرفاً طلبکار متضرر شده و بدهکار نسبت به ضرر مذکور (که از دیرکرد پرداخت حاصل شده) ضامن می‌شود. چنانکه اگر کسی اسکناس یا چک یا سند کسی را عدواناً نگه دارد تا مالیت آن کاهش یابد، ضامن نقصان مالیت و ضرر وارد بر صاحب اسکناس خواهد بود. فرق آن با حبس کالا یا تأخیر ادای وام اگر کالا و عروض باشد (که کاهش قیمت آن ضامن ندارد) این است که در کالا بر حسب نوع، خود آن مقصود بالاصاله عرف است؛ لذا اگر مافی‌الذمه گندم باشد و مثل عین آن در نزد شخص باشد، ترقی و تنزل قیمت آن نفع و ضرر شمرده نمی‌شود... ولی مع ذلک حبس آن به وسیله دیگری اگر سبب تنزل قیمت آن شود، موجب ضمان نیست؛ چون چیزی از آن کم نشده است. لذا آنچه از آن مقصود بالاصاله می‌باشد، حاصل است و نقصان عینی نیافته است. به خلاف اسکناس که تمام اعتبار و مالیت آن به همان قدرت خرید است و مقصود بالاصاله از آن توسل به خرید و تملک اشیا است. بنابراین نقصان مالیت آن، مثل نقصان عینی کالا است؛ چون زیان خارجی آن منهای این مالیت اعتباری، مقصود نیست و لذا نقصان آن عرفاً ضرر است و اگر عدواناً واقع شود موجب ضمان است؛ خواه در ذمه باشد، خواه در خارج^۱.

براین اساس، قائلین به این دیدگاه مدعی هستند که جبران کاهش ارزش پول بر فرض غصب یا تسامح در بازپرداخت بدهی همراه مطالبه مالک و تمکن بدهکار، ضروری است. دلیل این مطلب نیز آن است که در این موارد مالک زیان دیده و به دلالت قاعده لاضرر، جبران زیان لازم است؛ چون تمام اعتبار و مالیت اسکناس به همان قدرت خرید است.

برخی دیگر از اندیشمندان بر ضرورت تفصیل بین واکنش عرف و عدم واکنش عرف تأکید می‌کنند. در تبیین این دیدگاه این طور مطرح شده است: «اگر تورم در زمان کوتاه و مقدار معمولی باشد، محاسبه نمی‌شود؛ زیرا همیشه تغییراتی در اجناس و قدرت خرید پول پیدا شده و می‌شود و سیره مسلمانان و فقها بر عدم محاسبه تغییرات جزئی بوده است. ولی اگر تورم شدید و سقوط ارزش پول زیاد باشد تا آن حد که در عرف پرداختن آن مبلغ ادای دین محسوب نگردد، باید براساس وضع حاضر محاسبه کرد و در این مسئله تفاوتی میان مهریه و دیگر دیون نیست. مثلاً در

۱. پاسخ به نامه مورخ ۷۵/۷/۲۴ کمیسیون امور حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی.

یکی از استفتائات آمده بود که شخصی در سی سال قبل اجرت بنایی را نپرداخته است؛ در حالی که بنا برای او ده روز کار کرده و اجرت بنا در آن زمان روزی ۱۸ تومان (یعنی ۱۸۰ ریال) بوده است. به یقین اگر کسی بخواهد اجرت بنا را به قیمت آن روز یعنی ۱۸ تومان برای هر روز پردازد، در هیچ عرفی ادای دین محسوب نمی‌شود... بنابراین اگر قیمت سابق را پردازد هیچ عرفی آن را جبران خسارت نمی‌شمارد. لذا نه در دیون و نه در خسارات دیگر، پرداختن قیمت سابق در این گونه مقامات مصداق ادای دین یا جبران خسارات نیست و به همین دلیل باید به نرخ روز حساب کرد. لازم به یادآوری است که این پدیده در واقع جزء مسائل مستحدثه به شمار می‌رود و از آثار پول‌های کاغذی و اعتباری است و اگر معاملات مانند سابق با طلا و نقره صورت می‌گرفت، با چنین پدیده‌ای روبه‌رو نبودیم؛ مگر در موارد بسیار نادر. نتیجه اینکه در مواردی که تغییرات قیمت‌ها در کوتاه‌مدت یا بلندمدت کم باشد، عرف آن را مصداق ادای دین می‌داند و پذیرا می‌شود؛ اما تفاوت‌های شدید و فاحش قابل قبول نیست و ادای دین محسوب نمی‌شود^۱.

در تحلیل دیگری در این رابطه این طور مطرح شده است: «مسئله تورم در عصر ما با این شدت و وسعت که زائیده پول‌های کاغذی است، هر گاه در عرف عام به رسمیت شناخته شود، در فرض مسئله ربا نخواهد بود... در چنین شرایطی محاسبه نرخ تورم ربا نیست؛ ولی سود زائد بر آن رباست؛ ولی در محیط ما و مانند آن که در عرف عام نرخ تورم در بین مردم محاسبه نمی‌شود، کلاً ربا به شمار می‌رود؛ زیرا اشخاصی که به یکدیگر وام می‌دهند پس از گذشتن چند ماه یا بیشتر، عین پول خود را مطالبه می‌کنند و تفاوت تورم محاسبه نمی‌شود و اینکه در محافل علمی تورم به حساب می‌آید به تنهایی کافی نیست؛ زیرا مدار بر عرف عام است. ولی ما یک صورت را استثنا می‌کنیم و آن در جایی است که مثلاً بر اثر گذشتن سی سال، تفاوت بسیار زیادی حاصل شده باشد و لذا در مورد مهریه‌های قدیم زنان یا مطالباتی از این قبیل، احتیاط واجب می‌دانیم که باید به نرخ امروز حساب شود یا لااقل مصالحه کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۸).

براین اساس، قائلین به این دیدگاه بر عرفی بودن مسئله تاکید دارند؛ از این رو در شرایط تورمی فاحش و هنگامی که ارزش پول به شدت کاهش پیدا می‌کند، باید دید عرف چه چیزی را ادای دین می‌داند. اگر کاهش ارزش پول شدید باشد، یقیناً عرف وقتی مدیون را بری‌الذمه می‌شمارد

۱. پاسخ به نامه مورخ ۷۵/۷/۱۸ کمیسیون امور حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی.

که ارزش حقیقی پول را ملاک قرار دهد و آن را به دائن پرداخت کند. در غیر این صورت (یعنی اگر مدیون ارزش اسمی را پرداخت کند) عرف عام او را بری الذمه نمی‌داند. در اینجا نیز به نظر می‌رسد برخی از قوانین (مانند ماده ۵۲۲ قانون مدنی که در قسمت بعد مورد بحث قرار می‌گیرد) متأثر از این دیدگاه فقهی است.

در نقد دیدگاه تفصیل بین غصب و غیرغصب می‌توان این طور گفت که استفاده از قاعده لاضرر در اینجا با مشکلات و نکاتی همراه است. توضیح آنکه بررسی قاعده یادشده در فقه اسلامی نشان می‌دهد که براساس آن، وارد کردن ضرر و زیان بر جان و مال مردم حرام و از نظر اسلام مورد نهی قرار گرفته است و براساس ادله ضمان، اگر کسی به‌نحو مباشر یا سبب به مال یا جان فردی ضرر و نقصانی وارد کند، ضامن ضرر و نقصان خواهد بود.

باوجوداین، همان‌طورکه در منابع فقهی در جای خود نشان داده شده، اگر مال شخصی برای مدت معینی نزد فردی (به امانت یا بر طبق یک قرارداد شرعی مانند قرض) قرار گیرد و در این مدت نقصی بر آن مال وارد شود، قاعده لاضرر شامل این مورد نمی‌شود؛ مگر آنکه شخصی که مال نزد او می‌باشد، به‌نحو مباشر یا سبب، مؤثر در نقص مال باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۲).

کاربرد بحث در مسئله کاهش ارزش پول بدین صورت است که اگر پول رایج براساس یک قرارداد شرعی (مثل قرض یا امانت) مدت مدیدی نزد شخصی قرار گیرد و در این مدت ارزش پول کاهش پیدا کند و قرض‌گیرنده یا امانت‌دار هیچ‌گونه نقشی (نه به‌نحو مباشر و نه سبب) در کاهش ارزش پول نداشته باشد، در این صورت ضامن نقصان و کاهش ارزش پول نخواهد بود و قاعده لاضرر در اینجا قابل استناد نیست؛ زیرا کاهش ارزش پول به دلایل اقتصادی یا غیراقتصادی اتفاق افتاده است و دولت و بانک مرکزی مسئول آن هستند و نه قرض‌گیرنده یا امانت‌دار.

افزون‌براین، قاعده لاضرر حکم ضرری را برمی‌دارد و در مورد حکمی که از نبودش زیانی پدید می‌آید، ساکت است. براین اساس، حتی اگر شخص قرض‌گیرنده یا امانت‌دار بتواند از زیان وارد بر پول جلوگیری کند (مانع کاهش ارزش پول شود) از این قاعده نمی‌توان استفاده کرد و حکم به لزوم جلوگیری از کاهش ارزش پول را برای قرض‌گیرنده یا امانت‌دار صادر کرد. باوجوداین، اگر پس از سررسید دین و مطالبه طلبکار و تمکن بدهکار، باز هم در پرداخت مسامحه کند، ضرر و زیان وارده به دلیل کاهش ارزش پول در این وضعیت از تاریخ سررسید به نوعی به بدهکار مسامحه کار منسوب می‌شود.

در نقد دیدگاه تفصیل بین واکنش یا عدم واکنش عرف عام می‌توان این طور مطرح کرد که به لحاظ کاربردی تشخیص واکنش یا عدم واکنش عرف امری مشکل است که نمی‌توان به راحتی در رابطه با آن قضاوت کرد. افزون بر این، میزان این واکنش و جبران مرتبط با آن نیز جای تامل دارد. به عنوان مثال، اگر فرض شود در اقتصاد کشور تورم ۳۰ درصدی وجود دارد و ثابت شود عموم مردم نیز به تورم بالای ۲۵ درصد واکنش نشان می‌دهند، طبق استدلال ارائه شده جبران لازم است؛ اما مشخص نیست آیا باید کل ۳۰ درصد جبران شود یا تفاوت ۲۵ و ۳۰ درصد؟ زیرا مردم در عمل تا زمانی که نرخ تورم زیر ۲۵ درصد باشد به آن واکنشی نشان نمی‌دهند. با وجود این، کانون اصلی استدلال که بر صدق عرفی ادای دین است نکته قابل قبولی است؛ ولی مشکلاتی در تشخیص و اجرا وجود دارد. به همین دلیل در مقام عمل و رفع دعاوی یا رأی دادگاه ملاک عمل قرار می‌گیرد و یا طرفین با یکدیگر مصالحه می‌کنند.

۴-۴. ضرورت مصالحه بین طرفین

فقه‌های مدافع این دیدگاه معتقدند در شرایطی که کاهش ارزش پول به صورت قابل توجهی اتفاق می‌افتد، نیاز است طرفین قرارداد در رابطه با جبران آن با یکدیگر مصالحه کنند. مصالحه می‌تواند بر اساس شاخص‌هایی چون تورم عمومی، قیمت طلا، نرخ ارز و غیره انجام شود. آیت‌الله گرامی در توجیه این دیدگاه می‌نویسد: «اگر کسی مقداری پول طلا، نقره یا چیزهای مثلی دیگر را قرض کند و قیمت آن کم شود یا چند برابر گردد، چنانچه همان مقداری که گرفته را پس دهد کافی است. ولی اگر هر دو به غیر از آن راضی شوند، اشکالی ندارد. با وجود این، جریان حکم یادشده در پول‌های کاغذی که به لحاظ قدرت اعتباری خرید با آنها معامله می‌شود و نوعاً در حال ترقی یا تنزیل فاحش هستند، محل اشکال است؛ لذا اگر تفاوت فاحشی اتفاق بیفتد، بنابر احتیاط لازم است طرفین با یکدیگر مصالحه کنند» (جامعه مدرسین، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱). البته باید توجه کرد که گاه مصالحه در واقع فتوای فقیه است و گاه مصالحه از باب احتیاط است. چنان‌که گفته شد حتی اگر فقیهی قائل به لزوم جبران کاهش ارزش پول باشد، به دلیل مشکلاتی که در تشخیص و تعیین میزان جبران وجود دارد، ممکن است از باب احتیاط مصالحه را تجویز نماید.

در نقد این دیدگاه می‌توان این طور مطرح نمود که به نظر می‌رسد حکم به مصالحه در واقع